

**درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)**

**موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء**

تاریخ: ۵ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: شرط چهارم؛ مباح بودن آب وضو، ظرف آب وضو، مصب آب وضو و مکان وضو

مصادف با: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

جلسه: ۲۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در ادله جواز تصرف در نه‌های بزرگ و زمین‌های وسیع بود. دلیل اول و دوم در جلسه گذشته ذکر و بررسی شدند. **دلیل سوم**، اینکه از عدم جواز تصرف در نه‌های بزرگ و زمین‌های وسیع، حرج لازم می‌آید. بنابراین، برای اینکه حرج لازم نیاید، چاره‌ای جز حکم به جواز تصرفات مذکور، نیست.

**اشکال به دلیل سوم**

لزوم حرج، دلیل بر جواز تصرف در مال غیر نمی‌شود. دلیل حرج [«...وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...»]<sup>۱</sup>، دلیل امتنانی است، یعنی خداوند متعال در مواردی که حرج لازم می‌آید، از باب امتنان بر امت، وظیفه شخص را مشخص کرده است؛ در صورتی که تصرف در مال غیر، امتنان نیست. پس تمسک به دلیل حرج از باب امتنان برای حکم به جواز تصرف در مال غیر که خلاف امتنان است، جایز نیست. بنابراین، لزوم حرج در این مسأله، مقتضی عدم وجوب وضو می‌شود؛ نه اینکه گفته شود که با تمسک به دلیل حرج، تصرف در آبی که ملک غیر است، جایز می‌باشد. بنابراین، با توجه به اینکه دلیل حرج امتنانی است و با تصرف در مال غیر سازگار نیست و همچنین، حرج فقط وجوب وضو را برمی‌دارد، نه اینکه مجوز تصرف در مال غیر شود، عرض می‌شود که استناد به دلیل مذکور نیز ناتمام است. در این مسأله، بر فرض حرج، وظیفه مکلف به وظیفه دیگر که بدل آن، یعنی تیمم است، منتقل می‌شود.

**دلیل چهارم**، اینکه ادله دال بر منع از تصرف در مال غیر با ادله دال بر مطهریت آبی که با آن وضو گرفته می‌شود، معارضند لذا تساقط می‌کنند و به اصالة الإباحة رجوع می‌شود و به جواز وضو گرفتن و شرب از نه‌های بزرگ و استفاده از زمین‌های وسیع حکم می‌شود.

ادله حرمت تصرف در نه‌های بزرگ بر حرمت وضو گرفتن با آب این نه‌ها برای غیر مالک دلالت دارند و این ادله، با ادله‌ای که بر طهارت و مطهریت آب دلالت دارند و بر این دلالت دارند که با آب طاهر و مطهر وضو بگیرید، معارضند لذا تساقط می‌کنند و با تمسک به اصالة الإباحة به جواز وضو گرفتن با آب نه‌های بزرگ حکم می‌شود.

**اشکال به دلیل چهارم**

طاهر، مطهر و طهور بودن آب مورد قبول است مگر اینکه بر اثر ملاقات با نجس یا متنجس دچار انفعال شود و بو، رنگ یا مزه آن تغییر کند، لکن سؤال این است که همین آب طاهر و مطهر، اگر متعلق به غیر باشد، آیا تصرف در آن جایز است؟ یعنی آیا به صرف مطهریت آب، می‌توان به جواز تصرف در آن آب به منظور وضو گرفتن حکم کرد؛ هر چند که آن آب متعلق به غیر باشد؟

پاسخ این است که وضو گرفتن با چنین آبی جایز نیست. بنابراین، مطهریت آب، یک چیز و تصرف در مال غیر، چیز دیگری است و اصلاً دو دلیل معارض نیستند تا گفته شود که تساقط می‌کنند و با تمسک به اصاله الإباحة به جواز وضو گرفتن با آب نهرهای بزرگ حکم می‌شود.

نتیجه، اینکه با توجه به اینکه دلیل دوم، سوم و چهارم مورد اشکال قرار گرفتند، تنها دلیلی که می‌توان به آن تمسک کرد و بر طبق آن به جواز وضو با آب نهرهای بزرگ حکم کرد، دلیل اول، یعنی سیره مستمره قطعیه است که چون دلیل لفظی نیست، فقط باید به قدر متیقن اکتفا شود و قدر متیقن، موردی است که در رضایت مالک نهر شک باشد، اما اگر نسبت به عدم رضایت مالک نهر یقین باشد، نمی‌توان با آب آن نهر وضو گرفت.

به نظر مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله ۵۴۶، اگر غاصبی آن نهر بزرگ را غصب کرد، مادامی که آن نهر در مجرای اولش جریان داشته باشد، تصرف در آن برای غیر غاصب جایز است، بلکه ممکن است گفته شود که جواز تصرف مطلقاً، اعم از آنکه آن نهر در مجرای اولش جاری باشد یا مجرای آن به وسیله غاصب تغییر داده شده باشد، باقی است و اما برای غاصب و اتباعش از زن، فرزند، میهمانانش و هر کسی که به تبعیت از غاصب در آن تصرف می‌کند، تصرف در آن نهر جایز نیست.

مرحوم سید (ره) معتقد بوده است که تصرف غیر غاصب، مشکلی ندارد چون نهری که غاصب آن را غصب کرده است، همچنان متعلق به مالک اصلی آن است و شخصی که می‌خواهد با آب آن وضو بگیرد، شک دارد که آیا مالک به تصرف او در آن آب، رضایت دارد یا رضایت ندارد که با تمسک به سیره به جواز تصرف او حکم می‌شود.

اما مرحوم آیت الله خویی (ره)، بر خلاف مرحوم سید (ره)، معتقد بوده است که همان‌طور که در فرض مذکور، غاصب نمی‌تواند در نهر بزرگی که غصب کرده است، تصرف کند، غیر غاصب نیز مجاز به تصرف نیست زیرا تصرف غیر غاصب، تأیید عملی فعل غاصب است و وقتی شخص می‌داند که آن آب را غاصب غصب کرده است، تصرف او در آن آب جایز نیست چون همان‌طور که تصرف در آب نهر با علم به عدم رضایت مالک اصلی آن جایز نیست، زمانی که شخص علم دارد که غاصب، آن نهر را غصب کرده است نیز به عدم رضایت مالک به غصب غاصب علم دارد لذا اگر در آن آب تصرف کند و با آن آب وضو بگیرد، عملاً کار غاصب را تأیید و امضا کرده است و در نتیجه، وضوی او صحیح نیست.<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه، سیره قطعیه بر این دلالت دارد که وضو گرفتن با آب نهرهای بزرگ و نوشیدن از آب آنها، در فرضی که شخص نسبت به عدم رضایت مالک شک دارد، جایز است و همچنین، تصرف در زمین‌های وسیع، به منظور وضو گرفتن نیز همانند نشستن و خوابیدن در آن زمین‌ها در فرض شک در عدم رضایت مالک، مشکلی ندارد.

**مسأله ۵۴۷:** «الحیاض الواقعة فی المساجد و المدارس، إذا لم یعلم کیفیة وقفها، من اختصاصها بمن یصلی فیها أو الطلاب الساکنین فیها أو عدم اختصاصها، لا یجوز لغيرهم الوضوء منها إلا مع جریان العادة بوضوء کل من یرید مع عدم منع من أحد؛ فإنّ ذلک یکشف عن عموم الإذن و کذا الحال فی غیر المساجد و المدارس؛ کالخانات و نحوها».<sup>۲</sup>

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۷.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، ج ۱، ص ۲۲۵.

به نظر مرحوم سید (ره) در مسأله مذکور، حوض‌هایی که در مساجد و مدارس واقع شده‌اند، اگر کیفیت وقف آنها، از اختصاصشان یا عدم اختصاص آنها به کسانی که فقط در آن مساجد نماز می‌خوانند یا طلابی که فقط در آن مدارس ساکنند، معلوم نباشد، وضو گرفتن، برای غیر نمازگزاران مساجد مذکور و غیر طلاب مدارس مذکور، جایز نیست مگر عادت بر این جاری شده باشد که هر کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، می‌تواند در حوض‌های مساجد و مدارس مذکور، وضو بگیرد و کسی مانع نمی‌شود که این عادت، کاشف از إذن عمومی است [، یعنی وضو گرفتن برای عموم جایز است] و همچنین، در غیر مساجد و مدارس، مثل کاروانسراها و امثال آن نیز مطلب از همین قرار است.

مسأله مذکور، سه فرض دارد.

**فرض اول،** وضو گرفتن با آب حوض‌های مساجد و مدارس که به صورت اختصاصی فقط برای نمازگزاران همان مساجد و طلاب همان مدارس وقف شده‌اند و شخص کیفیت وقف را می‌داند، برای غیر آنان جایز نیست و ادله حرمت تصرف در مال غیر، بر حرمت وضو گرفتن با آب حوض‌های مذکور، دلالت دارند.

**فرض دوم،** وضو گرفتن با آب حوض‌های مساجد و مدارس که شخص علم دارد که برای خصوص نمازگزاران همان مساجد و طلاب همان مدارس وقف نشده‌اند، بلکه وقف عام می‌باشند، برای غیر آنان جایز است.

**فرض سوم،** فرضی است که شخص کیفیت وقف را نمی‌داند، یعنی نمی‌داند که حوض‌هایی که در مساجد یا مدارس واقع شده‌اند، برای خصوص نمازگزاران همان مساجد یا برای خصوص طلاب همان مدارس وقف شده‌اند یا به صورت عام وقف شده‌اند و سایر مردم نیز می‌توانند با آب آن حوض‌ها وضو بگیرند.

مرحوم سید (ره) درباره فرض سوم که شخص به وقف خاص یا وقف عام شک دارد، فرموده است که وضو گرفتن با آب حوض‌های مذکور، جایز نیست و دلیل این امر، اصل عدم جعل وقف برای عموم است. البته مرحوم سید (ره) فرموده است که اگر عادت بر این جاری شده باشد که هر کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، می‌تواند در حوض‌های مساجد و مدارس مذکور، وضو بگیرد و کسی مانع نمی‌شود، این عادت، کاشف از إذن عمومی است.

«الحمد لله رب العالمین»